

روی صحنه آبی

درباره «جشن سالگرد» چخوف، به کارگردانی **داریوش مۇدبیان**

یک کمدی مفرح چخوفی



رضا آشفته

● سال‌هاست که داریوش مۇدبیان مهن‌های آنتوان چخوف را ترجمه و در برخی از موارد اجرا می‌کند و آن قدر در این خصوص تلاش کرده که امروز یکی از بهترین چخوف‌شناسان ایران است. او این روزها نمایش جشن سالگرد را در خانه‌موزه استاد عزت‌الله انتظامی اجرا می‌کند که درواقع یک کمدی از چخوف است که از آثار قابل ملاحظه و تأمل برانگیز است که دنبال‌کردن آثار این کارگردان نیز خالی از لطف نیست. داریوش مۇدبیان به صورت معمول آثار نمایشی‌ای را ترجمه می‌کند که امکان اجرا به کارگردانی خودش را داشته باشد و در این نمایش نقشی را نیز برای خودش در نظر گرفته است. ارتباطش با داستان‌های نمایشی به دوران نوجوانی‌اش بازمی‌گردد و در همان دوران با چخوف و آثارش آشنا شده است. این اثر در پی کارگاه نمایشی که با هنرجویان روی آثار چخوف کار می‌کردند، شکل گرفته است. پیش از این نیز بارها آثار صحنه‌ای و تلویزیونی را به این شکل و حتی با حضور چهره‌ها اجرا کرده است. در این کارگاه نیز قصد داشتند داستان‌های آنتوان چخوف را به شکل نمایشی درآورند که پس از مدتی از شروع ورک‌شاپ‌ها مۇدبیان بیمار شد و پس از وقفه‌ای، زمانی که به منظور ادامه کارگاه‌ها بازگشت، بر آن شد تا «جشن سالگرد» را با هنرجویان تمرین کند و به صحنه بیاورند.

نمایش‌نامه «جشن سالگرد» درباره پانزدهمین جشن سالگرد افتتاح یک بانک است که در آن روز مدیر‌بانک که سودای قدردانی و تشکر خود را از طرف هیئت‌مدیره در سر دارد، منتظر تمام‌شدن بررسی گزارش‌های بانک از طرف حسابدارش است که ناگهان همسر او و خانمی که درخواست رسیدگی به مشکل شوهرش را دارد وارد بانک می‌شوند و…

«جشن سالگرد» کمدی بسیار مفرحی از جنس کارهای چخوف است. این نمایش کمدی اجتماعی است و به زندگی انسان‌ها اشاره دارد. داستان آن روسی است و در سال ۱۹۰۰ نوشته شده و قصه آن در یک بانک می‌گذرد. گرچه داستان آن متعلق به سال‌های دور است، اما درباره خصوصیات و زندگی ما صحبت می‌کند. این اثر یک کمدی شاد با ریتم فزاینده



و پرشتاب است. داستان آن درباره جشن سالگرد تأسیس بانکی است که این جشن به‌هم خورده و به سرانجام نمی‌رسد. در این نمایش سعی بر این بوده با تماشاگر ارتباط نزدیکی برقرار شود و به این منظور محل ورود تماشاگر به صحنه، اتاق رئیس بانک در نظر گرفته شده و بازیگران در همان بدو ورود در کنار مخاطبان هستند. مۇدبیان آنچه را که در متن بوده است بدون تغییرات روی صحنه آورده؛ همان شخصیت‌ها، همان گفتار و همان فضای پیشنهادی چخوف؛ چراکه آثار چخوف دارای لایه‌های پنهان و زیرمتن‌هایی است که باید کشف شود و نباید چیزی به آن افزوده یا از آن کم شود.

آثار آنتوان چخوف سهل‌متنن است؛ در ظاهر در آثار چخوف اتفاقی نمی‌افتد و کنش دراماتیک ارسطویی وجود ندارد، اما محور اصلی نمایش‌نامه را بازیگر و کارگردان باید کشف کنند و نشان دهند. در طراحی صحنه، دفتر کار رئیس بانکی خصوصی است. اجزا، وسایل، لباس‌ها و بازی‌ها واقع‌گراست، اما واقع‌گرایی‌ای که مدنظر چخوف است. موسیقی نمایش انتخابی از آلبوم «فندق‌شکن» چایکوفسکی است که چخوف بسیار به آن علاقه‌مند بوده و درباره‌اش صحبت کرده است. مۇدبیان ۱۰ قطعه از این آلبوم را که مناسب فضای نمایش بود انتخاب کرده است و به صورت پلی‌یک بخش می‌شود.

این کارگاه که به آثار چخوف می‌پردازد، از بهمن‌ماه سال گذشته آغاز شد و پس از وقفه‌ای به دلیل بیماری داریوش مۇدبیان، مجدداً از دو ماه پیش با تمرکز بر «جشن سالگرد» ادامه یافت و تاکنون این اثر نمایشی به مرحله اجرا رسیده است. این کارگردان امیدوار است این کارگاه‌های آموزشی با حضور جوان‌ها و کار بر آثار مطرح جهانی ادامه داشته باشد و چراغ این نوع تئاتر خاموش نشود.

به‌هرروی خانه‌موزه استاد انتظامی چشم‌به‌راه علاقه‌مندان به آثار آنتوان چخوف روسی است که با نمونه‌ای از آثار او وقت خود را با حظ بصری معنوی بر کنند. نمایش «جشن سالگرد»، نوشته آنتوان چخوف، با ترجمه و کارگردانی داریوش مۇدبیان از ۲۵ تیرماه، ساعت ۲۰ از خانه‌موزه استاد عزت‌الله انتظامی (قیطریه) با بازی سارا ابراهیمی، بهادر باستان‌حق، سعید پارسا، احسان صاحب‌الزمانی، جعفرعباس‌زاده، کورش قهرمانی، کمند کبیری، آفرین نوری‌نژاد، نگار نیکنامی و داریوش مۇدبیان روی صحنه است.

طرح دیدگاه‌های جدید و متفاوت در تئاتر را به رسمیت بشناسیم



مجید گیه‌چی منتقد

بررسی سیر و روند حرکت تئاتر در سال‌های اخیر، با میل رو به تزاید و گاه گریزناپذیر توجه به گیشه و تقلیل و حذف حمایت‌های دولتی از یک سو و در کنار آن ایجاد و گسترش تماشاخانه‌های خصوصی، از سوی دیگر، هرچند توأم با افزایش تعداد اجراها و تماشاگران تئاتر است (یعنی درعین‌حال فرصت‌هایی جدید ایجاد کرده که استفاده از آنها دست‌کم تاکنون خیلی هم امیدوارکننده و نویدبخش نبوده)؛ اما بیش‌ازآن وجوه تهدیدآمیز را نمودار و عیان کرده است؛ وجوهی که در صورت ادامه غفلت اصناف هنرمندان تئاتر و دولت، با سرعتی کنترل‌ناپذیر به سمت استحاله کامل یکی از مهم‌ترین و کهن‌ترین معمول آثار نمایشی‌ای را ترجمه می‌کند که امکان اجرا به کارگردانی خودش را داشته باشد و در این نمایش نقشی را نیز برای خودش در نظر گرفته است. ارتباطش با داستان‌های نمایشی به دوران نوجوانی‌اش بازمی‌گردد و در همان دوران با چخوف و آثارش آشنا شده است. این اثر در پی کارگاه نمایشی که با هنرجویان روی آثار چخوف کار می‌کردند، شکل گرفته است. پیش از این نیز بارها آثار صحنه‌ای و تلویزیونی را به این شکل و حتی با حضور چهره‌ها اجرا کرده است. در این کارگاه نیز قصد داشتند داستان‌های آنتوان چخوف را به شکل نمایشی درآورند که پس از مدتی از شروع ورک‌شاپ‌ها مۇدبیان بیمار شد و پس از وقفه‌ای، زمانی که به منظور ادامه کارگاه‌ها بازگشت، بر آن شد تا «جشن سالگرد» را با هنرجویان تمرین کند و به صحنه بیاورند.

نمایش‌نامه «جشن سالگرد» درباره پانزدهمین جشن سالگرد افتتاح یک بانک است که در آن روز مدیر‌بانک که سودای قدردانی و تشکر خود را از طرف هیئت‌مدیره در سر دارد، منتظر تمام‌شدن بررسی گزارش‌های بانک از طرف حسابدارش است که ناگهان همسر او و خانمی که درخواست رسیدگی به مشکل شوهرش را دارد وارد بانک می‌شوند و…

«جشن سالگرد» کمدی بسیار مفرحی از جنس کارهای چخوف است. این نمایش کمدی اجتماعی است و به زندگی انسان‌ها اشاره دارد. داستان آن روسی است و در سال ۱۹۰۰ نوشته شده و قصه آن در یک بانک می‌گذرد. گرچه داستان آن متعلق به سال‌های دور است، اما درباره خصوصیات و زندگی ما صحبت می‌کند. این اثر یک کمدی شاد با ریتم فزاینده

رفاقت به مشام رسیده، دیگر بر آن نمی‌توان نام نقد

یا گفت‌وگوی انتقادی آزاد گذاشت. جایگاه‌فعالانه

خواننده در این‌گونه نوشته‌ها به‌گونه‌ای حداقلی نادیده

گرفته شده است.

کارگردان/ سینماگر نیز با بالارفتن سن، به تدریج

آموخته جایگاهش را در فضای هنری جز با همین نقدها

و نوشته‌ها نمی‌تواند پایدار نگاه دارد، ازاین‌رو پس از

چندی به‌جای منفعل و پذیرابودن، رابطه مریدگونه‌اش

را با منتقدان قدیمی وارونه کرده و می‌کوشد در قلم نسل

دیگری از منتقدان، نفوذ کند و با پیداکردن یک هم‌فکر

هم نیست و نمونه خوبی است برای مطالعه چگونگی

حفظ جهان مستقل نقد و یکی‌شدن در جهان ذهنی

کارگردان. هرجا آقای طوسی از جایگاه مستقل خود،

بی احساس رفاقت و مجامله و حفظ حریم نان و نمک

و… با فیلم‌های کیمیایی روبه‌رو شده، نتیجه قابل‌تأمل

بوده است و هرجا نوشته‌هایش زیر سایه او فرو

رفته و تبدیل به تریبونی برای دفاع از مراد یا سکویی

در برابر نظر مخالفان بوده و بوی صله و هواداری و

با چنین نگاهی است که حاکمیت سرمایه و اولویت سودجویی در تئاتر شکل گرفته و سلبریتی‌ها ظهور کرده و گسترش می‌یابند و در عمده تاترها، محور و اساس توفیق و شکست می‌شوند. حاکمیتی که فقط به حضورشان در نمایش‌ها معنی نمی‌یابد؛ بلکه حتی در صورت حضورنیافتن‌شان، بر فرایندهای تولید تئاتر اثر می‌گذارد. نفس حضور سلبریتی‌ها، شرایط و محدودیت‌هایی بر تئاتر حاکم کرده که به دیگر عوامل نقش‌آفرین در کلایی‌کردن هنر یاری می‌رساند. دیگر این نویسنده و کارگردان به‌عنوان صاحبان فکر و اندیشه‌ای اولیه که در گروه بلوغ می‌یابد، نیستند که در اولویت و مرکز توجه قرار دارند. آنها تبدیل به تدارکات‌چی و هماهنگ‌کننده حضور سلبریتی‌ها و تابعی از راهبری آنها می‌شوند.

همه مناسبات متناسب با این حضور تغییر کرده، تنظیم شده و دگرگون می‌شود؛ مثلاً مدت تمرین و آماده‌سازی کاهش پیدا کرده و تمام گروه ناگزیر خود را با شرایط جدید تطبیق می‌دهد، متن و نمایش‌نامه

هنر



و میزانشن بر مدار هشت‌گ‌ها و برد و توفیق در فضاهای مجازی و تماشاگران دارای قدرت خرید بلیت، سازگار و کوک می‌شود؛ چراکه باید بتواند از عهده تعهدات ایجادشده در نسبت با سلبریتی‌ها و سالن‌های خصوصی و خصوصی‌تر آراید؛ یعنی تئاتر، به جای پیش‌روبودن و راهبری و طرح حرف و هوایی تازه، دنباله‌رو و پیرو «مشتریان‌ش» می‌شود و اگر احیاناً پس از گذر از این هفت‌خان دهشتناک، هنوز اندک بو و اثر و ثمری از اندیشه در آن مانده باشد، همان اندک هم در انتها به تیغ سانسور، حذف و خنثی می‌شود.

و این مشابه همان نگاهی است که در دیگر رسانه‌ها که سردمداران هدایت توده‌ها هستند و ازجمله مهم‌ترین‌شان تلویزیون، حاکم است؛ یعنی تلاش می‌شود فقط دیدگاه‌ها و زاویه نگاه‌هایی خاص و جهت‌دار حاکم شود و به‌نحوی مانع و سدی در برابر بروز هر نگاه و باور متفاوتی، ایجاد شود (که باید تأکید کرد که فقط نگاه متفاوت در وجوه سیاسی، مطرح نیست و این وجه، تنها یکی از ده‌ها زاویه توجه به

موضوعات است و اتفاقاً به دلایلی، عموماً در تئاتر در اولویت نیست). به این طریق تلاش می‌شود تئاتر را که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌هایش، مقاومت در برابر هر نوع تک‌صدایی و ایجاد فرصت برای نفس‌کشیدن جامعه و قوت‌بخشیدن به نگاه و باورهای جدید و متفاوت از دل مردم و جامعه است که در تقابل با نگاه‌های آنکادارشده قرار می‌گیرد، در چارچوب و استاندارد و یونیفرمی محدود، حبس کند تا به‌مرور از قواعد و اصول واحدی تبعیت کرده و خود را در خدمت قدرت یا سرمایه یا هر نیروی مسلطی قرار دهد و اگر آن را تأیید نمی‌کند، دست‌کم در تقابل با آن هم قرار نگیرد؛ موضوعی که بر انسداد وضعیت و ناامیدی جامعه می‌افزاید.

اما نقش هنرمندان و دولت مردمی مقابله با چنین تسلط‌ها و ایجاد فرصت و احیای طرح آزاد نظراتی مخالف جریان واحد و مسلط بر عمده رسانه‌هاست و باید با ایجاد تریبون‌های تازه و پاسداری از رسانه‌های آزاد، سنتی و موجود مانند تئاتر، شرایطی فراهم کند که هنرمند، آزاد و بی‌توجه به فشار بنیان‌کن سرمایه در توقعات نتواند تنفس، عمل و خلق کند. اما چگونه می‌توان این معادله و توازن به‌شدت یک‌سویه‌شده را که می‌رود تا کاملاً مغلوبه و یک‌طرفه بشود، برهم زد؛ وقتی نه دولت کوچک‌ترین توجه و درکی از موقعیت دارد و در جهتی معکوس مروج و مبلغ این نوع تک‌صدایی است و نه آلت‌رئانیو و نیرویی وجود دارد که بتواند صدایی باشد و بر قدرت صداها در برابر تک‌صدایی بیفزاید؟

راهی جز تشکیلیابی و هم‌افزایی صداهایی که از فرط کواتلی، دیگر به پیچیده و لالایی شبیه شده، وجود ندارد. این صداها باید در کنار هم قرار بگیرد و آن قدر قوی بشود که بتواند بسیاری را از خواب‌های عمیق و آسوده، بیراند.

اندک روزن‌های کوچک تنفس جامعه را که موجب پویایی و سر زندگی آن است، باز بگذارید!

یکی از این صحنه‌ها چندوقت پیش در هنگام

نمایش نسخه ترمیم‌شده فیلم «خط قرمز» کیمیایی

در کنار جواد طوسی در خانه سینما رخ داد. درحالی‌که

طوسی می‌کوشید درباره جایگاه تاریخی و نادیده

گرفته‌شده فیلم سخن بگوید و گاه تفسیرهایی خارج

از فیلم را هم به آن وصل می‌کرد تا جایگاه آن را بالا

ببرد، نمی‌دانم چرا کارگردان از نقشی که او ایفا می‌کرد

راضی نبود و به نقش مخالف‌خوان رورفته بود و با

کمک دوست دیگرش که در میان تماشاگران جاسازی

شده بود حملات جانانه‌ای را بر سر طوسی فرود

می‌آوردند و حرف‌های او را آشکارا، غیرمنطقی و غلط

و مخدوش تعبیر می‌کردند. هرچه این می‌ساخت، آن

خراب می‌کرد و بر باد می‌داد. انکار که بخوانند به او

یادآوری کنند که تو یک مرید بیش نیستی، درحالی‌که

یکی از این صحنه‌ها چندوقت پیش در هنگام

نمایش نسخه ترمیم‌شده فیلم «خط قرمز» کیمیایی

در کنار جواد طوسی در خانه سینما رخ داد. درحالی‌که

طوسی می‌کوشید درباره جایگاه تاریخی و نادیده

گرفته‌شده فیلم سخن بگوید و گاه تفسیرهایی خارج

از فیلم را هم به آن وصل می‌کرد تا جایگاه آن را بالا

ببرد، نمی‌دانم چرا کارگردان از نقشی که او ایفا می‌کرد

راضی نبود و به نقش مخالف‌خوان رورفته بود و با

کمک دوست دیگرش که در میان تماشاگران جاسازی

شده بود حملات جانانه‌ای را بر سر طوسی فرود

می‌آوردند و حرف‌های او را آشکارا، غیرمنطقی و غلط

و مخدوش تعبیر می‌کردند. هرچه این می‌ساخت، آن

خراب می‌کرد و بر باد می‌داد. انکار که بخوانند به او

یادآوری کنند که تو یک مرید بیش نیستی، درحالی‌که

می‌شد دید که طوسی در این وادی نبود و این ویژگی را نداشت و حیای شرف‌اشی او را به واکنش وانی می‌داشت. مخاطب ناباورانه شاهد این تنش پنهان/ آشکار میان مراد و مرید بود. توهین‌آمیز بود، چراکه در ملا عام به نقش نقد و منتقد توهین می‌شد که خود در این میان سهمی داشتم و همواره جهان آن را بالاتر از این شائبه‌ها می‌دیدم. ریشه‌های آن را پیشینی می‌دیدم که حال خود را روی صحنه بروز می‌داد. حدی از آن را در کمبودهای آن که میان تماشاگران بر این تنش می‌دیدم می‌دیدم که بش‌یک خالی از حسادت و هماهنگی نبود، اما نقش اصلی را بیش از هر چیز در مخدوش‌شدن جایگاه منتقد و هنرمند می‌دیدم؛ جایی که یکی هویت اصلی خود را زیر سایه دیگری نادیده می‌گرفت.

نقد خود صدایی در صدای دیگر است و دنباله‌ور، مفسر یا مبلغ یا پیرو اثر دیگر نیست، حتی اندیشمندان امروز نقد را چون متنی تازه می‌خوانند، چنان‌که اثر هنری نیز خود یک متن است. گفت‌وگوی میان متن‌ها که در جهان اندیشه و ذهن منتقد و مخاطب جان می‌گیرد و کارگردان و روابط‌عمومی‌ها و مدیر جشنواره‌ها و وزارتخانه‌ها و… نمی‌توانند برای آن خط‌مشی تعیین کنند.

سینمای جهان



فیلم جدید تارانتینورکورود زد

«روزی روزگاری در هالیوود»، جدیدترین فیلم کوئنتین تارانتینو، پرفروش‌ترین فیلم این کارگردان در نخستین روز اکرانش شد. به گزارش وراثتی، درحالی‌که «شیر شاه» همچنان سلطان باکس آفیس آمریکا باقی ماند و در راس جدول فروش نشست اما جدیدترین فیلم کوئنتین تارانتینو که از پنجشنبه‌شب اکرانش را شروع کرد و جمعه نخستین روز فروش آن بود، در میان فیلم‌های این کارگردان رکورد بیشترین فروش را بر جای گذاشت. این‌فیلم با نمایش در سه هزارو ۶۵۹ سالن سینما در سراسر آمریکا روز جمعه ۱۶۰۸ میلیون دلار فروخت. انتظار می‌رود این فیلم که نهمین فیلم تارانتینو است، تا پایان یکشنبه بتواند حدود ۴۰ میلیون دلار فروش کند و رکورد بالاترین افتتاحیه در میان فیلم‌های این کارگردان را به خود اختصاص دهد. این بالاتر از برآوردی است که برای آن شده بود و انتظار می‌رفت حدود ۳۰ میلیون دلار در اولین آخر هفته اکرانش فروشد. تاکنون «لعنتی‌های بی‌آبرو» که فیلمی در دوران نازی‌ها بود، با فروش ۳۸ میلیون در سال ۲۰۰۹ در راس فروش فیلم‌های تارانتینو در اولین آخر هفته اکرانش در باکس آفیس قرار دارد. در همین حال «لایون کینگ» همچنان سلطان باکس آفیس است و فقط در روز جمعه ۲۲۰۳ میلیون دلار فروش کرد. این‌فیلم که دومین آخر هفته اکرانش را تجربه می‌کند، کارش را با فروش ۱۹۲میلیون‌دلاری شروع کرده بود و باید دید تا پایان تعطیلات آخر هفته در آمریکای شمالی آمار فروشش را به کجا می‌رساند. «روزی روزگاری در هالیوود» ادای دین تارانتینو به هالیوود دهه ۱۹۶۰ است و لئوناردو دی‌کاپریو و برد پیت نقش‌های اصلی آن را بازی می‌کنند. مارگو رابی نیز در نقش شارون تیت همسر رومن پولانسکی ظاهر شده است.



مهران مدیری دوباره کنسرت برگزار می‌کند

مهران مدیری، بازیگر و کارگردان شناخته‌شده تلویزیون، سینما و تئاتر، روز بیست‌وهشتم مرداد بار دیگر کنسرتی را با همراهی سامان احتشامی و سایر هنرمندان برگزار می‌کند. به گزارش خبرنگار مهر، مهران مدیری از بازیگران و کارگردانان شناخته‌شده کشورمان که این‌روزها با سیرال شیکه نمایش خانگی «هیولا» به فعالیت مشغول است، روز دوشنبه بیست‌وهشتم مردادماه کنسرت دیگری را در تالار رویال هتل اسپیناس پالاس تهران برگزار خواهد کرد. در این کنسرت که به همت شرکت «رویال هنر» میزبان علاقه‌مندان موسیقی است، سامان احتشامی نوازنده و آهنگساز مطرح موسیقی با او همکاری خواهد کرد. برگزارِی کنسرت مهران مدیری در شرایطی است که هنوز از سرنوشت تازه‌ترین آلبوم او در مقام خواننده به آهنگسازی مهیار علیزاده خبر جدیدی منتشر نشده است. مدیری و علیزاده در تولید تیتراژ برنامه تلویزیونی «دورهمی» شبکه نسیم همکاری‌هایی باهم داشتند. مهران مدیری که سال ۱۳۷۹ آلبوم «از روی سادگی» را با همراهی زنده‌یاد بابک بیات و فریدن خلعتبری منتشر کرده بود، تابستان سال گذشته مجموعه کنسرت‌هایی را با حضور سامان احتشامی و سایر نوازندگان مطرح موسیقی کشورمان ازجمله نِما حمیدی، نوازنده درامز، جابر خدایاری نوازنده پرکاش، بابک ریاحی‌پور نوازنده گیتار باس، مسعود همایونی نوازنده گیتار الکتریک در برج میلاد تهران برگزار کرد. این بازیگر و کارگردان تئاتر در سال‌های اخیر تیتراژ سریال‌ها و مجموعه‌هایی را که خود به‌عنوان کارگردان روی آنتن تلویزیون داشته، خوانندگی کرده است که ازجمله می‌توان به سریال «شب‌های برره»، «باغ مظفر»، «قهوه تلخ» و مجموعه «دورهمی» اشاره کرد.

موسیقی



بیست‌وهفتمین رویداد «۱۰۰ اثر ۱۰۰ هنرمند»

بیست‌وهفتمین رویداد «صد اثر، صد هنرمند» با ارائه آثاری از

۲۲۸ هنرمند و تمرکز بر توجه به هنرمندان جوان، عصر روز جمعه

(یازدهم مرداد) در گالری گلستان افتتاح می‌شود. به گزارش ایسا،

لیلی گلستان، مدیر گالری گلستان و طراح این رویداد سالانه تابستانی،

این دوره از رویداد «صد اثر، صد هنرمند» را جوانانه‌ترین دوره خواند

و گفت: سهم هنرمندان مقیم شهرسان در این دوره بیش از همیشه

است. در این دوره ترجیح دادم اولویت، آثار کیفی نسل جوان باشد و

از پیش‌کسوتان و هنرمندان شناخته‌شده کمتر کار پذیرفتم. او اظهار

کرد: بیست‌وهفتمین رویداد «صد اثر، صد هنرمند» با ارائه آثار ۲۲۸

هنرمند افتتاح خواهد شد و این در حالی است که به جهت وسواس

و سخت‌گیری زیادی که به خرج دادم، حدود صد اثر به نمایشگاه راه

نیافتند. درمجموع می‌توان گفت که کیفیت این نمایشگاه بسیار بالاتر

از نمایشگاه‌های قبلی است. این گالری‌دار خاطرنشان کرد: با توجه به

شرایط خاص اقتصادی ترجیح دادم آثاری که قیمت‌های بالا دارند در

این دوره نباشند؛ اما از آنجا که یکی از شعارهای رویداد «صد اثر، صد

هنرمند»، نمایش آثار جوانان در کنار پیش‌کسوتان و بزرگان هنر است و

خود این رویکرد نوعی تشویق جوانان و زمینه‌ای برای بیشتر دیده‌شدن

آثار آنهاست، آثار شماری از بزرگان را که توسط مجموعه‌داران پیشنهاد

شده است نیز پذیرفته‌ام که کارهایی از استادان پرویز کلانتری،

محمدابراهیم جعفری، غلامحسین نامی و… از این جمله‌اند. گلستان

با بیان اینکه «این روزها کیفیت آثار جوانان بسیار جالب‌توجه و

چشمگیر است»، یادآور شد: آثار جوانانی که در شهرستان‌ها زندگی

می‌کنند حیرت‌انگیز است و به همین جهت تصمیم گرفتم این نسل با

این استعداد شگرف بیشتر در رویداد «صد اثر، صد هنرمند» دیده شوند.

زیر آسمان فیروزهای

امیررضا کوهستانی
با «شنیدن» به زاین می‌رود



● **گروه هنر:** نمایش «شنیدن»، به نویسندگی و کارگردانی امیررضا کوهستانی، آبان‌ماه سال جاری در کشور زاین به صحنه می‌رود. به گزارش خبرنگار مهر، امیررضا کوهستانی، نویسنده و کارگردان تئاتر ایران که در عرصه بین‌المللی نیز حضور مستمری داشته است، نمایش‌های تولیدشده توسط گروه تئاتر «مهر» را در کشورها و فستیوال‌های مختلف به صحنه می‌برد. این کارگردان در آخرین تور اجرای بین‌المللی خود، نمایش «شنیدن» را در تیرماه سال جاری در کشور برزیل و در دو شهر به صحنه برد. قرار است نمایش «شنیدن» در آبان‌ماه سال جاری در ادامه تور اجراهای بین‌المللی گروه «مهر»، در شهر کیوتوی کشور ژاپن روی صحنه برود. «شنیدن» تیر و مرداد سال ۹۴ و با حضور الهام کردا، مهین صدری، مونا احمدی و آتیاز آذره‌ش در سالن چهارسوی مجموعه تئاتر شهر اجرای عمومی خود را سپری کرد.

جلال تهرانی «لاموزیکاسوم» را به صحنه می‌برد



● **گروه هنر:** جلال تهرانی قصد دارد بعد از دو سال دوری از کارگردانی تئاتر، نمایشی را روی صحنه ببرد. به گزارش روابط‌عمومی مکتب تهران، «لاموزیکاسوم» نمایش تازه جلال تهرانی و بازیگری نمایش‌نامه «لاموزیکا» اثر مارگريت دوراس است که از دهم مرداد در سالن مکتب تهران روی صحنه می‌رود.

او در این نمایش با دو بازیگری که از میان هنرجویان مکتب تهران برگزیده است، همکاری می‌کند. تارا یونس‌تبار و امیر کریمی بازیگران این اثر نمایشی هستند. فروش و رزرو بلیت این اثر، به زودی از طریق سامانه تیوال (tiwall.com) امکان‌پذیر خواهد بود. سالن مکتب تهران در خیابان کریمخان، خیابان عضدی (آبان جنوبی)، کوچه کیوان واقع شده است.

«گالیله» در سالن اصلی تئاتر شهر

● **گروه هنر:** شهاب‌الدین حسین‌پور، کارگردان و بازیگر تئاتر که درحال‌حاضر نمایش «همه دردها که دزد نیستند» را با هنرجویان جوان بازیگری در عمارت نوفل‌لوشاتو به صحنه برده، درباره برنامه‌های پیش‌روی خود در زمینه کارگردانی تئاتر به مهر گفت: از سال ۹۴ تاکنون با مدیران و مسئولان مختلفی که در اداره کل هنرهای نمایشی و همچنین مجموعه تئاتر شهر مستقر شدند درباره به‌صحنه‌بردن نمایش «گالیله» به یاد استادم، حمید سمندریان، مذاکره کردم. وی ادامه داد: هم با تالار وحدت و هم با مجموعه تئاتر شهر درباره اجرای این اثر رایزنی کردم که در نهایت توفیقی شد تا با تئاتر شهر برای اجرا در سالن اصلی این مجموعه به توافق برسیم و بر این اساس قرار است در بهار سال ۹۹ نمایش «گالیله» را در این سالن به صحنه ببریم.

این کارگردان جوان تئاتر با اشاره به اینکه ورودش به تئاتر با شاگردی حمید سمندریان بوده، اظهار کرد: در طول سه سال دوره شاگردی‌ام سعی کردم از نزدیک با نوع نگاه و تفکرات استاد و همچنین نگاهی که به نمایش‌نامه «گالیله» داشت آشنا شوم. موضوع نمایش‌نامه «گالیله» برشت خیلی جذاب است و اجرای آن نیز اثر ادای دینی به استاد سمندریان است که در زندگی من تأثیر بسزایی داشت. حسین‌پور با بیان اینکه شکل اجرایی ویژه‌ای را برای نمایش «گالیله» مدنظر دارم، یادآور شد: از زمانی که وارد تئاتر شدم، شاهد دو یا سه اجرا از نمایش‌نامه «گالیله» بودم و تا جایی که اطلاع دارم، هرسال این اجراها کم‌فروغ‌تر بوده و نتوانسته‌اند به رسالت اثر نزدیک شوند و همچنین مخاطب را در سالن راضی نگه دارند. امیدوارم بدون هیچ ادعایی و با حضور هنرمندان برای فیلم در این فیلم که نهمین فیلم تارانتینو است، تا پایان یکشنبه بتواند حدود ۴۰ میلیون دلار فروش کند و رکورد بالاترین افتتاحیه در میان فیلم‌های این کارگردان را به خود اختصاص دهد. این بالاتر از برآوردی است که برای آن شده بود و انتظار می‌رفت حدود ۳۰ میلیون دلار در اولین آخر هفته اکرانش فروشد. تاکنون «لعنتی‌های بی‌آبرو» که فیلمی در دوران نازی‌ها بود، با فروش ۳۸ میلیون در سال ۲۰۰۹ در راس فروش فیلم‌های تارانتینو در اولین آخر هفته اکرانش در باکس آفیس قرار دارد. در همین حال «لایون کینگ» همچنان سلطان باکس آفیس است و فقط در روز جمعه ۲۲۰۳ میلیون دلار فروش کرد. این‌فیلم که دومین آخر هفته اکرانش را تجربه می‌کند، کارش را با فروش ۱۹۲میلیون‌دلاری شروع کرده بود و باید دید تا پایان تعطیلات آخر هفته در آمریکای شمالی آمار فروشش را به کجا می‌رساند. «روزی روزگاری در هالیوود» ادای دین تارانتینو به هالیوود دهه ۱۹۶۰ است و لئوناردو دی‌کاپریو و برد پیت نقش‌های اصلی آن را بازی می‌کنند. مارگو رابی نیز در نقش شارون تیت همسر رومن پولانسکی ظاهر شده است.